



Analyzing the Jurisprudential Foundations of Warranty (ḍamān) in Damages Caused by the Use of Industrial Products with Standard Marks

Zeinab Sanchooli¹ | Mohammadreza Kaykha²

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Theology, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran. Email: z.sanchooli@iau.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran. Email: kaykha@hamoon.usb.ac.ir

Abstract

Today, standards have been designed to protect people's health in the use of industrial goods; these standards indicate the quality of that product. The inclusion of the standard mark brings confidence to the consumer. However, we witness the sale and purchase of the above-mentioned mark and the damages that are inflicted upon the consumer thereby, or cause losses despite passing through the necessary tests. In this article, which has been conducted in a descriptive and analytical way, the conclusion has been reached that some jurists, regarding the product that has a standard mark inserted on it after undergoing various tests but, during consumption, it has caused loss of life and financial damage to the consumer, based on the lack of fault and non-transgression and excess on the part of the producer, according to lack of warranty maintain non-warranty (adam-i ḍamān); and others, based on jurisprudential principles such as Qur'anic verses and hadiths, and the principle of no harm (lāḍarar) of risk taking (ghurar), etc., have absolutely maintained warranty (ḍamān), whether for the manufacturers of goods with a standard mark that has been inserted after various tests, or for the manufacturers of goods with a fake standard mark. It seems that since in the realization of the ḍamān, aggressiveness of the act or the fault of the perpetrator is not a condition; rather, the standard of ḍamān is merely citing the damage to its perpetrator, the second statement should be stronger.

Keywords: Damage, Warranty (ḍamān), non-standard, industrial products, standard mark.

Cite this article: Sanchooli, Z., & Kaykha, M. (2024). Analyzing the Jurisprudential Foundations of Warranty (ḍamān) in Damages Caused by the Use of Industrial Products with Standard Marks. *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 57 (1), 9-26. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2024.358043.669526>



Article Type: Research Paper

Received: 19-Apr-2023

Received in revised form: 10-Apr-2024

Accepted: 7-May-2024

Published online: 25-Oct-2024

واکاوی مبانی فقهی ضمان در خسارات ناشی از استفاده از محصولات صنعتی با نشان استاندارد

زینب سنجولی^۱ | محمدرضا کیخا^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه الهیات، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. رایانامه: z.sanchooli@iaiu.ac.ir
۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: kaykha@hamoon.usb.ac.ir

چکیده

امروزه برای حفظ سلامت مردم در استفاده از کالاهای صنعتی، استانداردهایی طراحی شده؛ که این استانداردها، نشان دهنده کیفیت آن محصول می‌باشد. نصب نشان استاندارد، اطمینان خاطر مصرف‌کننده را در پی دارد. این در حالی است که شاهد خرید و فروش نشان مذکور بوده و آسیب‌هایی به این واسطه به مصرف‌کننده وارد می‌گردد و یا با وجود طی کردن آزمایشات لازم، سبب ضرر و زیان می‌گردند. در این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته، این نتیجه حاصل شده است که برخی فقهاء، در خصوص کالایی که پس از طی آزمایش‌های مختلف، نشان استاندارد بر آن نصب شده؛ ولی به هنگام مصرف، موجب خسارات جانی و مالی بر مصرف‌کننده شده است، با استناد به عدم تقصیر و عدم تعدی و تقریب از سوی تولیدکننده، قائل به عدم ضمان و برخی دیگر، با استناد به مبانی فقهی از جمله آیات قرآن و روایات و قاعده لاضرر، غرور و...، مطلقاً چه برای تولیدکنندگان کالاهای با نشان استاندارد که پس از انجام تست‌های مختلف، نشان استاندارد بر آن نصب شده و چه تولیدکنندگان کالاهای با نشان استاندارد تقلبی، قائل به ضمان شده‌اند؛ به نظر می‌رسد از آن جایی که در تحقق ضمان، عدوانی بودن عمل یا تقصیر مرتکب شرط نیست؛ بلکه معیار ضمان، صرفاً استناد خسارت به عامل آن است، قول دوم، از قوت بیشتری برخوردار باشد.

کلیدواژه‌ها: خسارت، ضمان، غیر استاندارد، محصولات صنعتی، نشان استاندارد.

استناد: سنجولی، زینب، و کیخا، محمدرضا (۱۴۰۳). واکاوی مبانی فقهی ضمان در خسارات ناشی از استفاده از محصولات صنعتی با نشان استاندارد. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۷ (۱)، ۹-۲۶.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰

© نویسندگان

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲ DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2024.358043.669526>

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴



مقدمه

امروزه با توجه به تنوع محصولات صنعتی و اهمیت سلامت انسانها در استفاده از آنها، استانداردهایی طراحی شده است؛ از جمله اینکه گاهی تعدادی از شرکتها با حوزه کاری مشترک، مثلا خودروسازها، پتروشیمیها، صنایع شوینده و ... برای یکسان سازی و بهتر نمودن کیفیت و ایجاد قوانین برای محصولات اولیه خود، اقدام به تدوین استاندارد می کنند. به عنوان مثال استاندارد QS۹۰۰۰ توسط سه خودرو ساز بزرگ فورد، کرایسلر و جنرالز موتور در سال ۱۹۹۴ تدوین شد و تامین کنندگان قطعات خودرو، ملزم به رعایت این استاندارد شدند. درواقع، استاندارد کردن عبارت است از تعیین مشخصات کالا و خدمات مورد نیاز یا تعیین درجه ویژگی کیفی کالاها و خدمات و حد مرغوبیت قابل پذیرش و مطلوبیت مورد نظر برای آنها از نظر اندازه، شکل، رنگ، خواص فیزیکی و ... به منظور بهبود کیفیت و حصول اطمینان از مصرف یک فرآورده؛ (ریاحی، ۱۳۸۸: ۲۶) پس استانداردها، قوانینی هستند که سعی می کنند با ایجاد نظمی خاص در کسب و کارها، کیفیت را افزایش بدهند و نتیجه این بالا رفتن کیفیت، افزایش رضایت مشتریان نیز خواهد بود.

بنابر آنچه گفته شد، وقتی یک کالای صنعتی، استانداردها را رعایت کند، برچسب علامت استاندارد روی کالا نصب می شود که موجب اطمینان مصرف کننده می شود. اما در مواردی، خرید و فروش برچسب و نصب بر روی کالاهای صنعتی بدون انجام آزمایش های لازم صورت می گیرد و یا علی رغم طی کردن مراحل و کسب موفقیت در کیفیت و نصب علامت استاندارد، باز هم شاهد آسیب رسیدن به جان و مال مصرف کننده هستیم. لذا ضرورت دارد به بررسی مبانی فقهی ضمان بپردازیم. حال، این سوالات مطرح می شود که آیا ضمان در این موارد یکسان خواهد بود؟ در صورت ضمان، مستند فقهی حقوقی آن کدام است؟

پیشینه پژوهش

اگر چه در این خصوص، تحقیقات متعددی صورت گرفته از جمله: احمد مرتاضی، راضیه غفاری و محمد اسدی (۱۳۹۷) در مقاله «مسئولیت ناشی از عیب تجهیزات پزشکی مصرفی و مبانی آن» و همچنین فتح الله رحیمی و راضیه رسکتی (۱۴۰۰) در مقاله «مبانی مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید و توزیع دارو» و زهرا فتاح زاده و علیرضا امینی (۱۳۹۱) در مقاله «قلمرو ضمان تولیدکننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع رسانی در نحوه صحیح مصرف» و ابوالقاسم علیدوست و حسینعلی بای (۱۳۹۱) در مقاله «معیار ضمان»؛ لیکن در این مقالات، موضوع مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق، مورد بررسی قرار گرفته است و کمتر مبانی فقهی ضمان مورد توجه قرار گرفته است. حال از آن جایی که نبودن ضابطه مشخص در باب ضمان، موجب بروز ابهامات و مشکلات عدیده ای برای دادگاهها شده و این امر، عرصه را بر دادرسان محاکم تنگ و احقاق حقوق را با مشکل مواجه ساخته است؛ در

این پژوهش سعی شده با استناد به منابع فقهی، مبانی فقهی ضمان تولید کنندگان کالا و عرضه کنندگان محصولات صنعتی با علامت استاندارد (اعم از تقلبی یا غیر تقلبی) استخراج و سپس با اثبات معیار ضمان (استناد خسارت به عامل زیان بار - صرف نظر از عدوانی بودن یا تقصیر مرتکب-)، ضابطه ای شرعی و قانونی جهت داوری محاکم در اختیار آنها قرار بگیرد تا از تشتت آراء جلوگیری شود؛ پس از این جهت، مقاله دارای نوآوری می باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی بوده و با مراجعه به کتب معتبر جمع آوری شده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. مفهوم استاندارد

استاندارد در لغت، به معنی نظم، قاعده و قانون است. (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه) اما معنی آن در ارتباط با مؤسسه استاندارد ایران، عبارت است از: تعیین ویژگیهای لازم در تولید یک فرآورده. (ریاحی، ۱۳۸۸: ۵۵) علامت استاندارد بیان می کند که کیفیت و ایمنی مندرج در استانداردهای قابل اجرا برای این محصول، تضمین شده است. (مددی، ۱۳۸۸: ۳۰)

۱-۲. منظور از محصولات صنعتی

محصولاتی هستند که برای برآورده کردن نیازها و خواسته های مصرف کنندگان تولید می شوند و این محصولات، شامل مواد و قطعات، کالاهای سرمایه ای، ملزومات و خدمات تجاری می باشند.

۱-۳. مفهوم ضمان

ضمان، در لغت، به معنای کفالت کردن، پذیرفتن و ملتزم شدن (این منظور، ۱۴۰۵: ۱۳، ۲۵۷؛ فیومی، ۱۴۲۵: ۳۶۴؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۶، ۲۱۵۵) و در عرف هم، به استقرار و ثبوت چیزی در عالم اعتبار بر عهده ضامن، ضمان اطلاق می شود. (بجنوردی، ۱۳۷۱: ۲، ۹۱) اکثر فقهای امامیه، ضمان را به معنای تعهد و التزام به جبران خسارت می دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۳۰: ۲، ۲۵۸؛ امامی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۱۰) که از این التزام به جبران خسارت در حقوق، با عنوان مسئولیت مدنی (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۱۰) و در اصطلاح فقها، تعبیر به حکم وضعی می شود که از جمله آثار این حکم وضعی، وجوب تکلیفی جبران خسارت است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۴۲)

۱-۴. مفهوم خسارت

مراد از خسارت، ضرری است که در نتیجه از بین رفتن مال یا فوت شدن منفعتی، بوجود می آید. بر همین اساس، خسارت را به دو قسم تقسیم می کنند:

۱-۴-۱. خسارت مادی

منظور از خسارت مادی، ضرری است که در نتیجه از بین رفتن عین مال (مانند سوختن ملک و کشتن حیوانات)، یا نقصان ارزش مال (مانند بنای ساختمانی که از بهای ساختمان‌های مجاور بکاهد) به افراد وارد می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱، ۲۱۹)

۵-۱. خسارت معنوی

ضرر معنوی عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۴، ۲۶؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۲، ۳۵۰) و صدمه به منافع عاطفی اشخاص، از جمله ناراحتی‌های روحی و از بین رفتن آبرو و حیثیت افراد. (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱، ۲۲۱)

۲. ضمان نسبت به کالا با نشان استاندارد

محور بحث این است که فرد، کالایی را با نشان استاندارد خریده؛ ولی بعد از استفاده، باعث ایجاد خرابی یا آسیب مالی یا جانی به مصرف‌کننده شده است؛ حال، گاهی این کالا، آزمایش‌های لازم را طی کرده و باز هم باعث ورود خسارت شده؛ و گاهی معلوم شده نشان استاندارد جعلی بوده و مراحل آزمایش را طی نکرده است. در این خصوص، در دو موضع، می‌توان بحث کرد:

۱-۲. ضمان کالایی که مراحل آزمایش را طی کرده است

در صورتی که کالایی، مراحل استاندارد سازی را طی کند و برچسب علامت استاندارد روی کالا نصب شود و خریدار با گمان به صحت کالا، اقدام به خرید آن کند، ولی در نهایت مشخص شود که کالا معیوب بوده یا باعث بروز خسارات شده است، در خصوص ضمان یا عدم ضمان تولیدکننده، دو نظر وجود دارد:

۱-۱-۲. قول اول - قول به عدم ضمان

برخی از فقهاء و حقوقدانان، با استناد به دلایل زیر، قائل به عدم ضمان تولیدکننده هستند؛ از جمله:

۱. **عدم سوء نیت:** بر طبق حدیث نبوی «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (مجلسی، ۱۳۱۵: ۶۷، ۲۱۱)، رفتار انسانها تنها زمانی قابل سرزنش است که با سوء نیت و قصد مجرمانه همراه باشد. حال، از آن جایی که تولیدکنندگان کالاهای صنعتی که پس از طی مراحل آزمایش‌های مختلف، نشان استاندارد بر روی کالا نصب می‌کنند و ناخواسته به هنگام مصرف، خسارتی به مصرف‌کننده وارد می‌شود، سوء نیتی در آسیب وارد کردن به دیگری نداشته‌اند، پس فعل مذکور، فاقد عنصر روانی جرم (قصد مجرمانه) است و از نظر قانونی، جرم محسوب نمی‌شود. (نورپها، ۱۳۸۳: ۱۹۶)

^۱ اعمال بر طبق نیت سنجیده می‌شود.

نقد و تحلیل: بر طبق قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم^۲»، (شیخ طوسی، ۱۳۷۰: ۲، ۱۱۱؛ کاشف الغطاء، ۱۴۳۲: ۵۶) میان منافع و نمائات اموال از یک سو با خسارت و نقصان وارده به اموال از سوی دیگر، ملازمه وجود دارد (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۸۴) که از آن تعبیر به ملازمه بین نماء و درک می‌شود. (انصاری، ۱۴۳۷: ۲، ۲۳۸) پس در بیع کالاهای صنعتی با نشان استاندارد که تولیدکننده، با تولید کالا به منفعت دست می‌یابد و از سود فروش کالا برخوردار می‌شود، متقابلاً اگر کالای تولیدی او علیرغم طی کردن مراحل مختلف آزمایش، باعث ورود خسارت به مصرف‌کننده شود، تولیدکننده ضامن جبران خسارت خواهد بود. با این توصیف، این قاعده می‌تواند به عنوان تأیید ادله مسئولیت مدنی، در باب ضمان و مسئولیت مدنی شخص منتفع مورد پذیرش قرار بگیرد. چنانکه حقوقدانان در باب حقوق مصرف‌کننده و مسئولیت تولیدکننده، به این قاعده استناد کرده و مسئولیت جبران خسارت را برعهده کسی گذاشته‌اند که منافع را از آن خود کرده‌است. نظریه خطر ناشی از انتفاع مادی که در بین حقوقدانان رایج می‌باشد نیز، مطابق این قاعده‌است و چون به نظر طرفداران این نظریه، تمایزی بین عمل ناشی از تقصیر و عمل ناشی از غیر تقصیر نیست؛ پس هر دو موجب مسئولیت است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۲۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲، ۳۳)

۲. **عدم تعدی و تقریبط (تقصیر) از سوی فروشنده:** برخی از فقهاء، معیار ضمان را، تعدی و تقریبط می‌دانند؛ به طوری که به عقیده آنها، انجام هر عملی که با تعدی و تقریبط همراه باشد، موجب ضمان است و بالعکس، هر عملی که فاقد این وصف باشد، موجب ضمان نخواهد بود. (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۷۴۸؛ شیخ طوسی، بی‌تا: ۷۶۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴، ۱۰۲۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳، ۶۵۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۱۶۷؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۰۵: ۲، ۴۸۵؛ خوئی، ۱۴۰۷: ۲، ۲۴۴؛ امام خمینی، بی‌تا: ۲، ۵۶۸) در خسارات ناشی از استفاده کالاهای صنعتی با نشان استاندارد نیز از آن جایی که مفروض بحث این است که کالا، مراحل آزمایش را طی کرده و بدون تقصیر و تعدی و تقریبط از سوی تولیدکننده، باعث ورود خسارت به مصرف‌کننده شده‌است، پس ضمانی بر تولیدکننده نخواهد بود؛ با این استدلال که: بر طبق روایات، هرگاه تعدی و تقریبط شخصی باعث بروز حادثه شود، شخص ضامن است و دلیل ضمان هم، استناد تلف به شخص متعدی و مفراط است؛ زیرا معیار ضمان، ترتب اتلاف بر فعل خارجی است. (رشتی، ۱۳۲۲: ۳۵)

نقد و تحلیل: به نظر می‌رسد چنین معیاری، مطلقاً صحیح نباشد؛ زیرا گاهی عملی، علیرغم عدم تعدی و تقریبط، باز هم موجب ضمان است؛ مانند جایی که بر اثر خطای قاضی، شخص به قطع عضو یا قصاص محکوم می‌شود؛ در اینجا، قاضی ضامن است؛ اگرچه خسارت از بیت المال پرداخت می‌شود. لذا روایاتی که دلالت می‌کنند بر اینکه تعدی و تقریبطی که باعث ورود صدمه و خسارت شود، موجب ضمان است، کلیت ندارد و نمی‌توان به عنوان یک ضابطه کلی، ضمان و عدم ضمان را، دایر

۲. هر کس که از منفعت و غنم برخوردار می‌شود، خسارت و غرم نیز برعهده اوست.

مدار تعدی و تفریط یا عدم آن دانست. و به تصریح بسیاری از فقیهان (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۷، ۱۶۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۱۵، ۳۳۸؛ حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۲۱، ۱۱۵؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۲، ۴۸۹؛ برغانی، ۱۳۸۲: ۱۰۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳، ۶۴؛ موسوی خمینی، بی تا: ۲، ۵۶۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۹۰، ۱۰۳)، تقصیر در ضمان دخالتی ندارد؛ زیرا ضمان، حکم وضعی است و در حکم وضعی برخلاف حکم تکلیفی، قصور و تقصیر تأثیری ندارد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۳۴)

۳. **عدم وجود رابطه سببیت:** به اعتقاد بسیاری از فقیهان، عامل تعیین کننده ضمان، استناد عرفی عمل زیان بار به شخص است؛ با این توضیح که هرگاه انتساب صدمه و آسیب به شخصی محرز باشد، ضمان ثابت می شود و هرگاه چنین انتسابی وجود نداشته باشد، ضمان منتفی است. (شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۱۶۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳، ۹۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۹، ۱۳۹؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۹۰، ۱۵۱؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸: ۷۱؛ خویی، ۱۴۰۷: ۲، ۲۴۲؛ برغانی، ۱۳۸۲: ۱۴۸؛ الحسینی المراغی، ۱۴۱۷: ۲، ۴۳۵؛ روحانی، ۱۴۱۴: ۲۶، ۲۰۳؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۱۶: ۲۴۳) بدیهی است که بر طبق این نظر، منشأ استناد، عوامل مختلفی از جمله تعدی و تفریط و عدوان خواهد بود. (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ۱، ۹۲؛ تبریزی، ۱۴۲۸: ۹۶؛ بحر العلوم، ۱۴۰۳: ۱، ۱۰۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰: ۱، ۵۰۷) بنابراین اگر رابطه سببیت بین زیان و عمل مسئول تحقق نیابد، مسئولیت مدنی (ضمان) نیز تحقق نمی یابد. حال، در تحقق ضمان قهری سازندگان و تولیدکنندگان کالاهای صنعتی، برای جبران خسارت، باید رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که حادث شده است، احراز شود. در حالی که فرض بر این است که کالا پس از طی مراحل مختلف، آزمایش و پس از تایید کارشناس، نشان استاندارد بر آن نصب شده است و فروشنده، سبب ضرر نبوده است.

نقد و تحلیل: با تحلیل نظر فقهاء، به عنوان یک قاعده کلی می توان گفت: در صورتی که صدمه و خسارت به شخص منتسب باشد، ضمان ثابت خواهد بود؛ اگرچه عمل وی مشروع و بدور از تعدی و تفریط باشد و مقدار تقصیر در ضمان دخالت ندارد؛ (شیخ طوسی، ۱۳۷۸: ۷، ۱۶۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۱۵، ۳۳۸؛ حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۲۱، ۱۱۵؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۲، ۴۸۹؛ برغانی، ۱۳۸۲: ۱۰۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳، ۶۴؛ موسوی خمینی، بی تا: ۲، ۵۶۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۹۰، ۱۰۳) مانند روایاتی که طیب و بیطار را ضامن می داند مگر اینکه اخذ براءت کند.^۳ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۹،

^۳ به عقیده مشهور فقهاء، پزشک، ضامن زیان هایی است که در نتیجه معالجه به بیمار وارد می شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳، ۴۶؛ شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۲، ۳۹۳؛ هذلی، ۱۴۱۰: ۲۵، ۵۰۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲، ۳۱۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۶۲) و گفته اند: حتی اگر پزشک با رضایت بیمار اقدام نماید، مسئول زیان وارد بر اوست و دلیل آنها، استناد به روایات، اجماع و قاعده اتلاف است. (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳، ۴۶؛ شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۲، ۳۹۳؛ هذلی، ۱۴۱۰: ۲۵، ۵۰۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲، ۳۱۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۶۲) با این استدلال که: طبق قاعده اتلاف، چون زیان وارده بر بیمار، منتسب به پزشک است، پس پزشک ضامن است هر چند مرتکب تقصیری نشده باشد. (شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۲، ۳۹۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۰: ۲، ۱۱۶؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۰۵: ۲، ۳۰۳؛ طباطبایی،

۲۶۰؛ حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۱۰، ۲۷۰؛ الحلیمی، ۱۴۰۳: ۲۴، ۱۰۳؛ شیخ طوسی، بی تا: ۲۵۰؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۲، ۴۵۰؛ الکیدری، ۱۴۱۶: ۴۹۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳، ۳۷۳) روایاتی هم که تعدی و

۱۴۱۸: ۲، ۵۳۳؛ حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۱۰، ۲۷۰) و در پاسخ این اشکال که از آن جایی که پزشک با اذن بیمار به معالجه او پرداخته و مرتکب تقصیر نشده، نباید مسئول باشد، می‌گویند: این امر تأثیری بر مسئولیت پزشک ندارد؛ زیرا اذن و رضایت بیمار برای انجام معامله بوده نه آسیب. بر این اساس، اثر رضایت بیمار، اباحه و جواز معالجه است و این امر، منافی ضمان آور بودن فعل نیست و این استدلال که چون عمل پزشک شرعاً مجاز بوده، نباید ضمان آور باشد، قابل قبول نیست. (شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۲، ۳۹۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۶، ۴۳؛ الفاضل اللکرانی، ۱۴۱۸: ۸۵؛ موسوی خمینی، بی تا: ۵۶۵) در مقابل، مقدس اردبیلی برخلاف نظر مشهور، از نظریه ابن ادریس (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳، ۳۷۳) پیروی کرده و پزشکی را که با رضایت بیمار به معالجه می‌پردازد و تقصیری مرتکب نمی‌شود، مسئول زیان وارد بر بیمار نمی‌داند. و برای اثبات ادعایش به چند دلیل استناد می‌کند: اولاً-پزشک مطابق علم خود عمل کرده و بیش از این تکلیفی ندارد. ثانیاً-شرعاً هر اتلافی ضمان آور نیست. ثالثاً-اجماع اصحاب را باید به موردی حمل کرد که پزشک از بیمار رضایت نگرفته است. (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶: ۱۴، ۲۲۹)

آنچه از تجزیه و تحلیل نظر فقهاء بدست می‌آید، این است که آنان قائل به ضمان پزشک در فرض زیان‌های وارده بر بیمار هستند مگر اینکه اخذ برائت کند و در خصوص کسب اجازه از بیمار نیز، به شرط عدم تقصیر، قائل به عدم ضمان هستند و این مسأله نیز اختلافی است.

حال، برخی از فقهاء چنین استدلال کرده‌اند: قول به عدم ضمان پزشک در فرض اخذ برائت از بیمار، به دلیل نیاز عموم مردم و رعایت مصلحت آنها است. طبابت، امری ضروری و مبتلی به عموم است و افرادی باید این حرفه را فرا گرفته و به معالجه بیماران بپردازند. حال اگر پزشک به طور نوعی، مسئول زیانهای ناشی از معالجه باشد و به هیچ وسیله ای از آن رهایی نیابد، رغبت به حرفه پزشکی کم شده و کسی به این مهم نمی‌پردازد و باب طبابت سد شده و امور مردم مختل می‌شود. و اگر اخذ برائت، باعث سقوط ضمان نشود، باعث اختلال در زندگی مردم خواهد شد. بعلاوه منصفانه نیست که از یک سو، پزشک ملزم به طبابت و معالجه بیمار باشد و از سوی دیگر ضامن نتایج زیانبار آن، که بدون تقصیر او ایجاد شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۲، ۳۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۰: ۳، ۱۱۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۷، ۴۳؛ شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۱۰، ۱۰۹؛ حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۱۹، ۴۴۹) درواقع، فلسفه اخذ برائت از بیمار این بوده که، پزشک بدین وسیله رضایت بیمار نسبت به زیان‌های وارد بر او را تحصیل و احراز نماید. (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۹۰، ۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۹: ۴۶) بسیاری از فقهاء، «اخذ برائت» را به «اذن و رضایت» بیمار تحلیل نموده و در توجیه اینکه چگونه اخذ برائت می‌تواند مسئولیت پزشک نسبت به خساراتی را که بعداً از عمل او واقع می‌شود، از بین ببرد، آن را نوعی رضایت به خسارت دانسته‌اند. (حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۱۹، ۳۲۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳، ۴۸؛ حسینی روحانی، ۱۴۳۵: ۲۶، ۲۰۲؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸: ۵۰؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ۲، ۶۳)

لیکن، به عقیده نویسنده، قیاس ضامن نبودن پزشک در فرض ایراد ضرر به بیمار با ضامن بودن تولیدکنندگان کالاهای صنعتی با نشان استاندارد، در فرض ایراد خسارت به مصرف‌کننده صحیح نیست؛ زیرا اولاً-شرط صحت قیاس، علت مشترک است که در این جا وجود ندارد. (ابن شهید ثانی، ۱۴۱۵: ۲۵۷؛ مشکوه، ۱۳۳۹: ۱۶۶) ثانیاً-استدلالی هم که در بالا ذکر شد، قابل مناقشه است از این جهت که: ضرورت، سبب شرعی شدن یک حکم نمی‌شود؛ زیرا احکام، دایر مدار مصالح و مفاسد هستند و اینکه کسی حاضر به طبابت در جامعه نباشد، قطعاً مفسده است و جلوگیری از این مفسده، مستلزم پیش بینی راه حلی از سوی شارع است و شارع، راه حل را در قالب کلی اخذ برائت پیش بینی نموده. از سوی دیگر بر مبنای قواعد عام نظیر لاضرر و نیز مبانی وضع احکام مبتنی بر نیاز جامعه، می‌توان قائل به صحت اخذ برائت شد. در ما نحن فیه نیز، اگر اخذ برائت را مسقط ضمان ندانیم، روند درمان در جامعه با مشکل مواجه می‌شود و قطعاً شارع، با اختلال در امر سلامت جامعه مخالف خواهد بود. (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳، ۳۷۳؛ شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۱۰، ۱۱۲) در حالی که در مورد تولید کنندگان و فروشندگان کالاهای صنعتی، قضیه برعکس است؛ درست است که تولید، یک امر مهم، ضروری و حیاتی برای استفاده جامعه انسانی به شمار می‌رود؛ لیکن، در خصوص خسارات احتمالی استفاده از کالاهای صنعتی با نشان استاندارد، اخذ برائتی از سوی فروشنده صورت نگرفته و نگفته: من تعهدی نسبت به سالم بودن کالا ندارم؛ بلکه بالعکس، با نصب نشان استاندارد، طرفین، بنا را بر سالم بودن کالا گذاشته و فروشنده نیز موظف شده، کالای سالم و با کیفیتی تحویل دهد؛ بدیهی است در صورت حصول نتیجه خلاف، فروشنده ضامن است.

تفریط یا تصرف عدوانی را موجب ضمان می‌دانند، در تنافی با این قاعده نیستند؛ بلکه ارتکاب عمل از روی تعدی و تفریط یا عدوانی بودن عمل، درواقع، از موجبات صحت استناد است و این منافاتی با ضامن بودن شخص در مواردی که صدمه به او منتسب است-هرچند که تعدی و تفریط و عدوانی در کار نباشد- ندارد. (کاشف الغطاء، ۱۴۳۲: ۳، ۱۷۶؛ الحسینی المراغی، ۱۴۱۸: ۲، ۴۳۵) حال در خصوص تولید کنندگان کالاهای صنعتی، اگرچه رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرر حادث شده احراز نشود، و اگرچه شخص، تعدی و تفریط نکرده باشد و عمل وی مشروع بوده باشد، ولی باز هم از آن جایی که خسارت به او منتسب است، ضامن خواهد بود؛ ضابطه ضمان در این موارد، صحت استناد عرفی خسارت به پدیدآورنده آن است.

۲-۱-۲. قول دوم-قول به ضمان

در مقابل برخی دیگر از فقهاء و حقوقدانان، علیرغم عدم تعدی و تفریط (عدم تقصیر) تولیدکننده، قائل به ضمان تولیدکننده در برابر مصرف کننده شده‌اند؛ با این استدلال که: یکی از نظریات قابل توجه در باب مبانی مسئولیت مدنی، استناد عرفی انجام عمل به عامل زیان است؛ زیرا از جمله اصول مسلم عقلائی و عرفی، پاسخگو بودن افراد در قبال اعمال خویش است. هر چند عرف، یکی از راههای احراز استناد عرفی عمل به شخص را، تقصیر عامل می‌داند؛ ولی این، به معنای موضوعیت داشتن تقصیر برای تحقق مسئولیت مدنی نیست؛ به طوری که اگر تقصیر نباشد، مسئولیت مدنی از بین برود؛ بلکه در حقوق اسلامی، تقصیر درواقع، راهی برای اثبات استناد عرفی عمل زیان بار به شخص است. (باریکلو، ۱۳۹۲: ۵۵) این گروه، برای اثبات نظریه خود، به دلایل زیر استناد می‌کنند:

۱. **استناد به آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»**: (مائده: ۱) خداوند متعال در این آیه، مسلمانان را امر می‌کند به اینکه به عهد و پیمان خود وفا کنند. پس در بیع کالاهای صنعتی، که مرغوبیت و استاندارد بودن کالا، به عنوان شرط بنایی در نظر گرفته می‌شود، فروشنده، موظف به تحویل کالای استاندارد به مشتری خواهد بود. این آیه، شامل عهود مؤثقه از جمله نذر و عهد و یمین می‌شود و به طور مسلم ضمان را-که در آن، حقوق مردم دخیل است-، در بر می‌گیرد. حال، اگر تولیدکننده، کالایی را تحویل دهد که علیرغم طی آزمایش‌های مختلف و نصب نشان استاندارد بر روی آن، از استاندارد و کیفیت لازم برخوردار نباشد، می‌توان با استناد به خیار عیب، استدلال بر ضمان بایع نمود؛ با این تعلیل که: در بیع کالاهای صنعتی با نشان استاندارد، مشتری با بناگذاری قلبی بر صحت و سلامت جنس، اقدام به معامله کرده‌است؛ آن گاه اگر پس از معامله و دریافت مبیع، ملاحظه نمود که کالا معیوب است، اصل بیع صحیح است، ولی خیار عیب دارد و درواقع، موضوع از قبیل تعدد مطلوب است و دو رضایت در کار است: اول-رضای به اصل بیع این متاع، که شرط صحت بیع است و موجود است. دوم-رضای به سالم بودن آن، که شرط لزوم و مفقود است و فقدان آن، موجب بطلان بیع نیست بلکه باعث ضمان است؛ (انصاری، ۱۴۳۷: ۵، ۱۵۸) پس از زمان

حدوث عقد، در معامله ای که فرد مغبون شده است، ضمان صحیح می باشد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۱۱۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۳۰: ۲، ۶۱۲) متأسفانه جمع کثیری از فقهای عظام، به این مسأله اشاره نکرده اند و نیز در قانون مدنی، ذکری از آن به میان نیامده است. لذا پیشنهاد ما این است که این قید، به قانون مدنی اضافه شود: «عقد ضمان، در معامله ای که مبیع معیوب است و یا یکی از طرفین مغبون گردیده، از زمان حدوث عقد بیع صحیح می باشد»؛ زیرا سبب ضمان که همان عقد بیع می باشد، موجود است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۱۱۵)

۲. **استناد به حدیث «المؤمنون عند شروطهم»:** بر طبق حدیث «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»: (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۷، ۳۳۴؛ کلینی، ۱۳۹۴: ۵، ۱۷۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۵، ۳۰) مسلمانان باید پایبند به شروطشان باشند؛ حال، در بیع کالاهای صنعتی، اگر خریدار با ظنّ به مرغوب بودن و استاندارد بودن کالا، اقدام به انجام معامله کند، فروشنده موظف است کالایی را به خریدار تحویل دهد که از حدّ مطلوبیت و استاندارد قابل توجهی برخوردار باشد. از ظاهر روایت چنین استنباط می شود که هم شامل شرایط ضمنی در عقد و هم شامل مطلق التزام می شود که از جمله مصادیق این التزام، تعهد ضامن حتی بدون قبول و رضایت بستانکار است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۲۲) به عقیده فقهاء، وفای به شرط ضمن عقد (اعم از عقد لازم و جایز) واجب است؛ (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱: ۱۲، ۲۶۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۱، ۲۹۱؛ اردبیلی، ۱۳۷۸: ۹، ۵۸؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۴۲) به موجب این روایت، نوعی مسئولیت قراردادی بر عهده شخص بایع قرار می گیرد که منظور از آن، تعهد قانونی و التزام شخص متعهد متخلف به جبران ضرری است که در نتیجه تخطی او از عمل به تعهد، به شخص مقابل (متعهد له) وارد شده است. (باریکلو، ۱۳۹۲: ۲۶)

۳. **قاعده اتلاف:** در عرضه کالاهای صنعتی با نشان استاندارد، که کالا، علی رغم طی کردن مراحل مختلف و کسب موفقیت در کیفیت و نصب علامت استاندارد، باز هم باعث آسیب رسیدن به جان و مال مصرف کننده می شود، اگر چه تولیدکننده، تمام احتیاطهای لازم را کرده باشد و تقصیری هم متوجه او نباشد، به صرف انتساب فعل زیان بار به او، به موجب قاعده اتلاف ضامن خواهد بود؛ زیرا ملاک ضمان در قاعده اتلاف، انتساب فعل زیان بار به شخص متلف است و عمدی و غیر عمدی بودن عمل، علم و جهل، تقصیر یا عدم تقصیر و سوء نیت متلف شرط نیست. (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷، ۳۲۴؛ شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۱، ۱۰۹؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲، ۵۲)

۴. **قاعده لاضرر:** از جمله قواعدی که به بحث مقابله با خسارات مربوط می شود، قاعده لاضرر، برگرفته از حدیث نبوی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۷، ۱۴۶؛ خوئی، ۱۴۱۷: ۳، ۹۳) می باشد و در خصوص آن، دو دیدگاه وجود دارد: اکثر فقهای امامیه معتقدند که قاعده لاضرر، توان اثبات ضمان را ندارد و نمی تواند به عنوان یکی از موجبات ضمان مورد استناد قرار بگیرد. (غروی نائینی، ۱۳۷۳: ۲، ۲۲۰؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۵۵) در مقابل گروهی دیگر از فقهاء،

با استناد به این قاعده، حکم به ضمان زیان زنده می‌کنند (شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۱، ۲۷۹؛ الحسینی المرآغی، ۱۴۱۸: ۲، ۱۱۱) و ورود ضرر به غیر را، از اسباب ضمان به حساب می‌آورند؛ (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸: ۲، ۲۲۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۲، ۳۰۱)؛ تا جایی که معتقدند: در مواردی که از عدم حکم، ضرری پیش آید و رفع این ضرر، منحصرأً از طریق استناد به قاعده لاضرر ممکن باشد، در این صورت نیز می‌توان حکم به جبران خسارت را از قاعده استنباط کرد. (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۸) برخی دیگر از طرفداران این نظریه، قائل به نفی ضرر غیر قابل جبران هستند و می‌گویند: در اسلام، ضرر غیر قابل جبران وجود ندارد و افراد ملزم هستند در صورت ورود ضرر، آن را جبران نمایند. (الحسینی المرآغی، ۱۴۱۷: ۱۰۴؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۱۸) برخی دیگر از طرفداران این نظریه، نیز، قائل به نفی حکم از طریق نفی موضوع هستند و معتقدند: موضوعاتی که شارع، برای آن‌ها حکمی وضع نموده، اگر عناوین اولیه آن‌ها موجب ضرر گردد، حکم آن‌ها منتفی می‌شود. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲، ۲۶۷) این دیدگاه، مقبول تر به نظر می‌آید؛ زیرا آن چه از ملاحظه نظرات مختلف بدست می‌آید، این است که: «لا» در حدیث «لاضرر»، به معنای نهی به کار برده نشده است؛ پس قاعده لاضرر، دال بر نهی تکلیفی نیست بلکه دلالت بر نفی حکم ضرری دارد و شامل امر عدمی هم می‌شود و جبران ضرر وارده نیز، در صورت مطالبه زیان دیده واجب است.

۵. قاعده احترام: این قاعده برگرفته از حدیث «لَا يَجِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا عَنْ طَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ» (خوبی، ۱۴۱۷: ۲، ۱۳۷؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳: ۱، ۲۱۹) می‌باشد و دلالت بر احترام مال مسلمان و عمل او می‌نماید. و از آن چنین استنباط می‌شود که: هرگاه فروشنده، کالایی با نشان استاندارد را تحویل دهد؛ لیکن کالا، از صفات پایین تری برخوردار باشد یا به نحوی معیوب باشد که باعث ورود خسارت به مشتری می‌شود، از آن جایی قبول کالای معیوب، باعث ایراد ضرر به مشتری می‌شود؛ لذا فروشنده ضامن جبران خسارات وارده است. با این تعلیل که: خریدار، به شرط دریافت کالای سالم و استاندارد، تصرف در ثمن را برای فروشنده مباح کرده است؛ حال اگر قرار باشد فروشنده، کالای با نشان استاندارد را تحویل دهد که باعث ورود خسارت به مشتری شود، رضایت مشتری بر تصرف بایع در ثمن از بین می‌رود. سبب اصلی ضمان، احترام مال مسلمان است؛ بدین معنا که مال انسان عقلاً و شرعاً محترم بوده و کسی حق ندارد به طور مجانی و رایگان در آن تصرف کرده و یا تجاوز به مال دیگری نماید. (مصطفوی، ۱۴۱۲: ۲۴؛ لطفی، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

۲-۲. ضمان کالایی که مراحل آزمایش را طی نکرده است

در مواردی که کالا، بدون طی کردن مراحل آزمایش‌های مختلف، به عنوان کالای استاندارد فروخته می‌شود و برچسب استاندارد بر روی آن نصب می‌شود و از این حیث، باعث ورود خسارت به مصرف‌کننده می‌شود، به دلایل زیر می‌توان قائل به ضمان فروشنده و عرضه‌کننده کالا شد:

۱. **قاعده غرور:** بر طبق قاعده «المغرور یرجع الی من غزه» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰: ۱، ۱۷۹)، فریب خورده «مغرور»، به فریب دهنده «غاز»، مراجعه می‌کند. در عقد بیع، هرگاه فروشنده، باعث فریب خریدار شود، اقدام او باعث ایجاد ضمان و تحقق مسئولیت مدنی می‌شود. در اصطلاح حقوقی، از این نوع مسئولیت، به ضمان غرور (که نوعی ضمان قهری است) تعبیر می‌شود. (الفاضل اللنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۲۸؛ لطفی، ۱۳۷۹: ۱۷؛ میرزای قمی، ۱۳۷۱: ۲، ۱۷۳) به عقیده برخی از فقهاء، علم و جهل در غرور دخالت ندارد؛ زیرا ضمان، از احکام وضعی است. (الحسینی المراغی، ۱۴۱۸: ۲، ۴۳۹) حال، با این تعلیل، در بیع کالاهای صنعتی، اگر فروشنده به نحوی از انحاء از جمله تبلیغات فریبنده یا استفاده از جهل خریدار، کالای نامرغوبی را با نشان استاندارد تقلبی به خریدار تحویل دهد و باعث ورود خسارت به مشتری شود، فروشنده، ضامن جبران خسارت وارده خواهد بود.

تحلیل مطلب: بی تردید در نظر عقلا و خردمندان جامعه، شخصی که بر اثر فریب از عمل دیگری، متحمل خسارت و زیان شده، حق دارد برای جبران خسارتش، به شخصی که او را فریب داده مراجعه کند و جبران خسارتش را بخواهد. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱، ۲۲۵؛ لطفی، ۱۳۷۹: ۲۱؛ الفاضل اللنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۲؛ خوبی، ۱۴۱۷: ۴، ۳۸۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۲، ۲۸۹) عقلاء، این عمل را قبیح نمی‌دانند؛ بلکه برعکس، غاز را مسئول تحمل غرامت و جبران خسارت می‌دانند. (بجنوردی، ۱۳۷۱: ۱، ۲۲۷) لکن غرور، باعث ابطال معامله نمی‌شود و از آنجایی که تضييع حق شخصی دیگران را به دنبال دارد، ماهیتاً از موجبات ضمان به شمار می‌آید. (الحسینی المراغی، ۱۳۸۵: ۳۲۳) پس هرگاه تولیدکننده، کالایی را تولید کند و علیرغم کیفیت مطلوب و استاندارد بودن کالا، نشان استاندارد تقلبی را بر روی آن حک کند، می‌توان قائل به ضمان تولیدکننده شد؛ با این استدلال که: درواقع، نصب نشان استاندارد تقلبی، نوعی تدلیس و فریب مصرف‌کننده است؛ گویا فروشنده به دروغ، ادعای کیفیت و استاندارد بودن کالا را کرده و با ذکر صفات و ویژگی‌های غیرواقعی برای کالا از جمله استاندارد بودن، باعث فریب مشتری شده است؛ بی‌گمان، چنین عملی، از مصادیق خیانت و نیرنگ در معامله می‌باشد. (سنهوری، ۱۳۹۰: ۱، ۳۹۴)

۲. **قاعده لاضرر:** هرگاه کالایی، بدون طی کردن مراحل آزمایش‌های مختلف، به عنوان کالای استاندارد فروخته شود و برچسب تقلبی نشان استاندارد بر روی آن نصب شود و از این حیث، باعث ورود خسارت به مصرف‌کننده شود، با استناد به قاعده لاضرر، و تکیه بر نظر مختار که قاعده لاضرر، علاوه بر نفی حکم ضرری، در مواقع ضرر نیز اثبات حکم می‌نماید، (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۸) می‌توان قائل به ضمان تولیدکننده کالا شد؛ زیرا او با فریب خریدار از طریق نصب نشان استاندارد بر روی کالا، باعث ضرر شده است. و درواقع، منشأ ضرر بر متضرر، خود تولیدکننده «ضار» بوده است. (داراب پور، ۱۳۷۷: ۸۸) در نتیجه می‌توان گفت: هرگاه استفاده از کالای صنعتی با نشان تقلبی استاندارد، باعث ورود خسارت «اعم از مادی و معنوی» به مشتری شود؛ از آن جایی

در شرع اسلام، ضرر زدن به دیگران جایز نیست و اگر کسی به دیگری ضرر زد، باید آن را جبران کند (محقق داماد، ۱۳۷۶: ۱۵۱؛ الحسینی المرآعی، ۱۴۱۸: ۱، ۳۱۱)؛ لذا، اگر ضرر وارده، تحت عناوین اتلاف و تسبیب یا قاعده ید و نظایر اینها نباشد یا وجود حکمی از سوی شارع، مورد تردید باشد، به صرف قاعده لاضرر می‌توان حکم به جبران ضرر کرد. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۵۶)

۳. **قاعده «وجوب اعلام الجاهل فی ما یعطی»:** بر طبق این قاعده، تولید کنندگان کالاهای خطرناک و غیر استاندارد، موظف به اعلام خطرات احتمالی استفاده از کالا به خریدار هستند. (اردبیلی، ۱۳۷۸: ۸، ۳۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۸: ۲، ۱۲۶) عدم اعلام موضوع، باعث غش در معامله می‌شود. (شیخ طوسی، ۱۳۷۰: ۲، ۵۵؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۲، ۵۶) با این توضیح، هرگاه تولیدکننده با نصب برچسب تقلبی استاندارد، علیرغم ایمنی کالا، اطلاعات لازم را به خریدار در خصوص پیشگیری از خطرات احتمالی ارائه ندهد و از این حیث، باعث ورود خسارت به مصرف‌کننده شود، به نظر می‌رسد با استناد به این قاعده، بتوان قائل به ضمان تولیدکننده شد؛ زیرا نصب نشان استاندارد تقلبی، نوعی حُسن ظن را نسبت به سالم بودن و ایمن بودن کالا برای مشتری ایجاد می‌کند. حال، اگر کالای مذکور، به هنگام مصرف، باعث ورود خسارات جانی و مالی شود، با استناد به این قاعده می‌توان، تولیدکننده را به علت قصور در اطلاع رسانی صحیح ضامن دانست.

۴. **قاعده تسبیب:** در مورد مسئولیت ناشی از تسبیب، در فقه اسلامی، تقصیر شرط دانسته شده‌است؛ عده‌ای از فقهاء به صراحت (شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۲، ۳۹۸؛ رشتی، ۱۳۱۰: ۲۴۷؛ ابن همام، ۱۴۲۴: ۸، ۶۷) و عده‌ای دیگر به طور ضمنی (شهید ثانی، ۱۳۱۶: ۲، ۳۹۸)، بر لزوم تعدی و تقریط (تقصیر)، برای ایجاد مسئولیت ناشی از تسبیب تأکید کرده‌اند و می‌گویند: شرط مسئولیت مدنی (ضمان) ناشی از تسبیب، آن است که عمل یاد شده از جمله اموری باشد که با وقوع آن، تحقق زیان پیش بینی می‌شود. (محقق کرکی، ۱۴۱۱: ۶، ۲۰۶) پس هرگاه منشأ عمل زیان بار، عمل غیرمجاز و نامشروعی باشد، ضمان مطلقاً ثابت خواهد بود؛ چون عرف، صدمه را به عامل غیرمجاز مستند می‌داند. (رشتی، ۱۳۲۲: ۸۳) در ما نحن فیه، فرض بر این است که کالا، بدون طی کردن مراحل آزمایش‌های مختلف، برچسب استاندارد بر روی آن نصب شده و به عنوان کالای استاندارد فروخته شده و از این حیث، باعث ورود خسارت به مصرف‌کننده شده‌است؛ پس از آن جایی که فعل تولیدکننده، عرفاً و عادتاً عدوانی و مقصرانه بوده و سبب ورود خسارت به مصرف‌کننده شده، با استناد به این قاعده می‌توان قائل به ضمان فروشنده و عرضه‌کننده کالا شد.

۵. **قاعده اقدام:** در مواردی که کالایی تولید می‌شود و تولیدکننده، علیرغم استاندارد بودن کالا، اقدام به الصاق یا حک نشان استاندارد بر روی کالا می‌کند و خریدار با اعتماد به نشان استاندارد، وارد معامله می‌شود و به جهت نامرغوب و غیر استاندارد بودن کالا، متحمل خسارات جانی و مالی می‌شود، چنین اقدامی، موجب ضمان تولیدکننده‌است؛ زیرا تولیدکننده، با این اقدام (الصاق نشان

تقلبی استاندارد بر روی کالا)، در برابر مصرف‌کننده، متعهد به ایمنی و استاندارد بودن کالا شده‌است؛ پس اگر تولیدکننده، با اطلاع از معیوب بودن کالا و الصاق برچسب تقلبی بر روی کالا، از اظهار آن به خریدار خودداری کند، بنابر قاعده اقدام، ضامن است.

نتایج

از آن جایی که نصب نشان استاندارد بر روی کالا یا فروش کالا همراه با ضمانت نامه، تولیدکننده را متعهد به صحت و سلامتی کالا و عاری بودن کالا از عیب و نقص می‌کند، می‌توان از این ضمانت نامه یا فروش به شرط استاندارد بودن کالا، تعبیر به شرط ضمن عقد یا تعهدی مستقل کرد که مسئولیت تولیدکننده یا فروشنده کالا را به دنبال دارد. حال، اگر کالایی عرضه شود که نشان استاندارد داشته باشد؛ با این حال، در هنگام مصرف، خساراتی را بر مصرف‌کننده به بار آورد، مسئله ضمانت تولیدکننده مطرح می‌شود. به تصریح بسیاری از فقیهان، ضمان، دایر مدار انتساب و استناد عرفی خسارت به عامل زیان است و اموری همچون عدوانی بودن یا نبودن، تعدی و تفریط و تقصیر مرتکب، در تحقق ضمان تأثیری ندارد. بلکه همین که عرف، حادثه یا صدمه‌ای را به شخص منتسب بداند، برای ضمان شخص کافی است؛ چه شخص مذکور، در ایراد خسارت، سوء قصد داشته باشد چه نداشته باشد، چه خسارت، ناشی از تقصیر یا تعدی و تفریط او بوده باشد و چه نباشد، چه عمل واقع شده مجاز باشد چه غیر مجاز. حال، در خصوص تولیدکنندگان و فروشندگان کالاهای صنعتی با نشان استاندارد، که استفاده از کالای آنها باعث خسارات جانی و مالی شده‌است، در رابطه با ضمان و عدم ضمان تولیدکننده، در بین فقهاء دو قول وجود دارد: برخی از فقهاء، قائل به تفصیل شده و در خصوص کالایی که مراحل استاندارد سازی را طی کرده و پس از طی آزمایش‌های مختلف و اطمینان از استاندارد بودن کالا، نشان استاندارد بر آن نصب شده، با استناد به عدم سوء نیت، عدم تقصیر و تعدی و تفریط از سوی تولیدکننده و همچنین، عدم احراز رابطه سببیت بین فعل زیان بار و تولیدکننده، قائل به عدم ضمان و در خصوص کالایی که اصلاً مراحل استاندارد سازی را طی نکرده و بدون طی آزمایش‌های مختلف، برچسب تقلبی استاندارد بر آن ثبت شده، قائل به ضمانت تولیدکننده شده‌اند. در مقابل، گروهی دیگر از فقهاء، در هر دو صورت مذکور، به صرف انتساب خسارت به تولیدکننده، قائل به ضمان شده‌اند و برای اثبات ادعای خود به دلایلی از جمله قرآن و روایات، قاعده لاضرر، قاعده غرور و ...، استناد کرده‌اند. لذا، به اعتقاد نویسندگان، به نظر می‌رسد قول دوم (مطلق ضمان)، از قوت بیشتری برخوردار باشد.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۳). عوالی اللثالی. قم: سیدالشهدا.
- ابن ادريس، محمد بن منصور (۱۴۱۰). السرائر. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن براج، عبدالعزيز (۱۴۰۶). المهذب. قم: النشر اسلامی.
- ابن منظور، جمال الدين (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: أدب الحوزه.
- ابن همام، محمد بن عبدالواحد (۱۴۲۴). شرح فتح القدير. بيروت: دارالکتب العلمیه.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹). کفایه الأصول. قم: آل البيت.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۸). مجمع الفائده و البرهان. قم: النشر الاسلامی.
- امامی، سید حسن (۱۳۶۳). حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- انصاری، مرتضی (۱۴۳۷). کتاب المکاسب. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- _____ (۱۴۱۹). فرائد الاصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- باریکلو، علی رضا (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی. تهران: میزان.
- بجنوردی، میرزا حسن (۱۳۷۱). القواعد الفقهیه. قم: اسماعیلیان.
- بحرالعلوم، محمد بن محمد تقی (۱۴۰۳). بلغه الفقیه. تهران: مکتبه الصادق.
- برغانی، محمد تقی (۱۳۸۲). الديات. قزوین: حدیث امروز.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی. تهران: میزان.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۸). تنقیح مبانی الاحکام «کتاب الديات». قم: دار الصدیقه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷). دانشنامه حقوقی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح. بیروت: دارالعلم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه. قم: آل البيت.
- حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۳۵). فقه الصادق. قم: آیین دانش.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹). الفقه. بیروت: دارالعلم.

حسینی عاملی، محمد جواد (۱۳۹۱). مفتاح الكرامه. بیروت: دار احیاء التراث.

الحسینی المراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷). عناوین الاصول. قم: چاپ سنگی.

_____ (۱۴۱۸). العناوین الفقیهیه. قم: جامعه مدرسین.

_____ (۱۳۸۵). عناوین ضمان «اسباب و مسقطات». تهران: میزان.

حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

خوئی، ابوالقاسم (۱۴۰۷). مبانی تکمله المنهاج. قم: لطفی.

_____ (۱۴۱۷). مصباح الفقاهه. قم: انصاریان.

_____ (۱۴۱۸). مبانی العروه الوثقی. بی‌جا: مؤسسه دارالعلم.

داراب پور، مهرباب (۱۳۷۷). قاعده مقابله با خسارات. تهران: گنج دانش.

راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵). فقه القرآن. قم: مکتب آیه الله مرعشی نجفی.

رشتی، میرزا حبیب الله (۱۳۲۲). رساله فی الغصب. تهران: چاپ سنگی.

_____ (۱۳۱۰). کتاب الاجاره. قم: بی‌نا.

روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۴). فقه الصادق. قم: دارالکتاب.

ریاحی، بهروز (۱۳۸۸). مرجع کاربردی استاندارد و کیفیت ایران. تهران: مربع.

سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳). مهذب الاحکام. قم: دفتر معظم له.

سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۹۰). نظریه العقد. تهران: خرسندی.

شهابی، محمود (۱۳۳۰). دو رساله «وضع الفاظ و قاعده لاضرر». تهران: دانشگاه تهران.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۷). مسالک الافهام. قم: النشر اسلامی.

_____ (۱۳۱۶). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه. قم: داوری.

شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتاب.

شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط. تهران: المکتبه المرتضویه.

_____ (بی‌تا). النهایه. قم: قدس.

_____ (۱۳۷۰). الخلاف. قم: دارالکتاب العلمیه.

- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰). المقنعه. قم: جامعه مدرسین.
- طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸). حقوق مدنی. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸). ریاض المسائل. قم: آل البيت.
- طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۳۹۱). مستمسک العروه الوثقی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۳۰). العروه الوثقی. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- _____ (۱۴۱۰). حاشیه مکاسب. قم: اسماعیلیان.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا). تذکره الفقهاء. قم: المکتبه المرتضویه.
- _____ (۱۴۱۳). قواعد الاحکام. قم: النشر الاسلامی.
- _____ (۱۴۲۰). تحریر الاحکام الشرعیه. قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). موجبات ضمان. تهران: میزان.
- غروی نائینی، محمد حسین (۱۳۷۳). منیه الطالب فی حاشیه مکاسب. تهران: حیدری.
- فاضل اصفهانی، محمد بن الحسن (۱۴۰۵). کشف اللثام. قم: کتابخانه گلیپاگانی.
- الفاضل اللنکرانی، الشیخ محمد (۱۳۸۳). القواعد الفقیهه. قم: مرکز فقه الأئمه.
- _____ (۱۳۸۰). جامع المسائل. قم: امیر العلم.
- _____ (۱۴۱۸). تفصیل الشریعه (کتاب الديات). قم: مرکز فقه الأئمه.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۰). مفاتیح الشرائع. بی جا: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۲۵). المصباح المنیر. قم: دارالهجره.
- قطب راوندی، سعید (۱۴۰۵). فقه القرآن. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). ضمان قهری. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۵). حقوق مدنی «الزامهای خارج از قرارداد-ضمان قهری». تهران: دانشگاه.
- _____ (۱۳۷۸). عقود معین (۱). تهران: شرکت انتشار.
- _____ (۱۳۸۵). مسئولیت ناشی از عیب تولید. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۶۹). مسئولیت مدنی. تهران: دانشگاه تهران.

- کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۴۳۲). تحریرالمجله. تهران: مجمع العالمی للتقریب بین المذاهب.
- کلینی الرازی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۴). فروع کافی. قم: قدس.
- کیانی، عبدالله (۱۳۷۶). الزامات بایع و مشتری قبل و بعد از تسلیم مورد معامله. تهران: ققنوس.
- الکیدری، قطب الدین (۱۴۱۶). اصباح الشیعه بمصباح الشریعه. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- لطفی، اسدالله (۱۳۷۹). موجبات و مسقطات ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی ایران. تهران: مجد.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵). بحار الأنوار. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- محقق حلّی، جعفر بن الحسن (۱۴۰۹). شرائع الاسلام. قم: النشر الاسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۶). قواعد فقه «بخش مدنی». تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۱). جامع المقاصد. قم: آل البیت.
- مددی، صادق (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی تولید کنندگان و فروشندگان کالا. تهران: میزان.
- مدنی کاشانی، آقا رضا (۱۴۰۸). کتاب الديات. قم: النشر اسلامی.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۱۵). القصاص علی ضوء القرآن. قم: مکتبه المرعشی النجفی.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱). مائه قاعده فقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۲). القواعد. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: انتشارات زرین.
- مقدس اردبیلی، مولا احمد (۱۴۱۶). مجمع الفائده و البرهان. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- _____ (۱۳۷۸). المسائل المستحدثه فی الطب القسم الثانی. فقه اهل البیت، ۳ (۱).
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۱۶). فقه الديات. قم: مکتبه امیرالمؤمنین.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- _____ (۱۳۸۵). عقد ضمان. تهران: مجد.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰). الرسائل. قم: اسماعیلیان.
- _____ (بی تا). تحریر الوسیله. قم: دارالعلم.

- میرزای قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۱). جامع الشتات. تهران: کیهان.
- ۹۲- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام. تهران: کتابخانه اسلامی.
- نجفی خوانساری، موسی (۱۴۱۸). منیه الطالب. قم: النشر الاسلامی.
- نراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۷). عوائد الأيام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نوربها، رضا (۱۳۸۳). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: گنج دانش.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳). کتاب الاجاره. قم: دائره المعارف الفقه الاسلامی.
- هدلی، ابن زکریا یحیی بن احمد (۱۴۱۰). الجامع للشرائع. قم: مؤسسه سیدالشهداء.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی